

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مسئله بیست و سوم: وجوب تعلم مسائل شک و سهو

مرحوم امام(ره) در مسئله بیست و سوم فرموده‌اند: «يجب تعلم مسائل الشك و السهو و غيرها مما هو محل الابتلاء غالباً، إلا إذا اطمأن من نفسه بعدم الابتلاء بها، كما يجب تعلم أجزاء العبادات و شرائطها و موانعها و مقدماتها، نعم لو علم إجمالاً أن عمله واجد لجميع الأجزاء و الشرائط و فاقد للموانع صح و إن لم يعلم تفصيلاً».

مرحوم امام(ره) در این مسئله فرموده‌اند: تعلم مسائل شک و سهو و احکامی که در واجبات برای انسان مورد نیاز است، که محل ابتلاء است و غالباً نوع مردم به آن نیاز دارند و مورد احتیاجشان است واجب است.

بعضی از بزرگان مثل مرحوم شیخ انصاری(اعلی الله مقامه الشریف) حکم به فسق کسی که احکام شک و سهو را یاد نگیرد کرده، که حالا بررسی کلام ایشان را در دنباله بحث داریم.

در سال گذشته در اوائل بحث اجتهاد و تقلید آنجا این بحث مطرح شد، که آیا تعلم و تفقه وجوب دارد یا نه؟ که در آنجا مجموعاً 5 نظریه در کلمات فقها بود؛ بعضی‌ها قائل بودند به اینکه تعلم و تفقه هیچ وجوبی ندارد، بعضی می‌گفتند که وجوب مقدمی دارد، برخی قائل بودند که وجوب طریقی دارد، برخی می‌گفتند که وجوب نفسی مولوی دارد و برخی هم قائل بودند که به وجوب ارشادی دارد.

در آنجا بعد از یک بحث مفصل در آیات و روایت، به این نظریه رسیدیم، که امام(رضوان الله علیه) هم همین نظریه را داشتند، که تعلم و تفقه یک استحباب نفسی مؤکد دارد.

خوب آن یک بحث بود، اما در اینجا بحث این است که در خصوص واجبات، مثل حج، آیا کسی که می‌خواهد حج انجام دهد و می‌داند که در این حج به یک احکامی مبتلا پیدا می‌کند، تعلم اینها واجب است یا نه؟ و اگر واجب است چه وجوبی دارد؟

امام(رضوان الله علیه) در اینجا فرموده‌اند: تعلم مسائل شک و سهو، از مسائلی که محل ابتلاء غالب مردم است واجب است.

مرحوم سید(ره) در عروه، مسئله 28 هم این قید غالب را آورده و فرموده‌اند: «يجب تعلم مسائل الشك و السهو بالمقدار الذي هو محل الابتلاء غالباً»، یعنی غالب مردم مورد ابتلاشان است. تعلم مسائلی که مورد ابتلاء غالب مردم است، واجب است، مثلاً غالب مردم در نماز بین سه و چهار شک می‌کنند، لذا تعلم آن واجب است.

بله در ادامه فرموده‌اند: «نعم لو اطمأن من نفسه أنه لا يتلى بالشكّ و السهو صحّ عمله و إن لم يحصل العلم بأحكامهما»، یا امام(ره) هم فرموده: «إلا إذا اطمأن من نفسه بعدم الابتلاء بها»، اگر خودش اطمینان دارد، که نمازی که می‌خواند، بدون هیچ شک و سهوی هست، در اینجا دیگر واجب نیست.

همین طور در دنباله فرموده‌اند: «كما يجب تعلم أجزاء العبادات و شرائطها و موانعها و مقدماتها»، کسی که می‌خواهد حج انجام دهد، برش واجب است که جزئیات، اجزاء، شرائط و موانع آن را یاد بگیرد.

وجوب تعلم وجوب شرطي نیست

اولین بحثی که در اینجا واقع می‌شود این است که این «يجب» که در اینجا هست، آیا یک وجوب شرطي است یا نه؟ وجوب شرطي معنایش این است که اگر اینها را یاد نگیرد، عملش باطل است.

مسلم است که اگر کسی این احکام را یاد نگیرد، حال یا در نماز اصلاً مورد ابتلاش واقع نمی‌شود و یا اگر مورد ابتلاش شد، اما تصادفاً عملی را انجام داد که مطابق با واقع در آمد، مثلاً اگر در نماز بین 3 و 4 شک کرد، اما تصادفاً بنا را بر چهار گذاشت و نمازش را تمام کرد، بعد هم یک رکعت ایستاده خواند، اما نرفته بود که قبلاً احکامش را یاد بگیرد، هیچ کس نمی‌تواند بگوید که این عمل باطل است، بلکه این عمل مسلماً عمل صحیحی است.

پس در اینجا وجهی برای مسئله وجوب شرطي، به این معنایی که گفتیم نیست، اشکالش هم روشن شد که نمی‌توانیم بگوییم: وجوب تعلم احکام شرط برای صحت صلاة است، بلکه اگر چنین تعلیمی هم پیدا نکنیم، در این فروضی که بیان کردیم، نماز صحیح است، بدون اینکه هیچ اشکالی در صحت صلاه باشد.

وجوب تعلم: وجوب مقدمي عقلي

احتمال دوم این است که در اینجا بگوییم: این وجوب، یک وجوب مقدمي عقلي است، که عقل در اینجا بر این وجوب دلالت می‌کند، به این بیان که مثلاً بنا بر مبنای مشهور فقهاء، قطع نماز فریضه، مثل نماز یومیّه حرام است، حال شخص می‌داند که اگر احکام شک و سهو را یاد نگیرد و در نماز مورد ابتلاش واقع شود، باید نمازش را قطع کند، لذا عقل می‌گوید: برای اینکه مرتکب حرام نشوی، احکام شک و سهو را یاد بگیر.

به عبارت اخري این وجوب، یک وجوب عقلي است برای اینکه در اینجا مرتکب حرام نشود.

بیان دیگری هم برای این فرض وجود دارد و آن این است که مکلف باید احرار کند که عملی را که انجام می‌دهد، عنوان امتثال دارد، که برای اینکه امتثال را احرار کند، باید مسائل و احکام شک و سهو را یاد بگیرد، یعنی احرار امتثال متوقف بر تعلم مسائل است.

پس برای وجوب عقلي ما دو بیان در اینجا داریم؛ یک بیان روی مبنای مشهور که قطع صلاة را حرام می‌داند، که اگر این احکام را یاد نگیرد، گرفتار حرام می‌شود، که برای دفع ارتکاب حرام، در اینجا عقل می‌گوید: احکام شک و سهو را یاد بگیر.

راه دوم هم این است که احرار امتثال بر این شخص عقلاً واجب است، عقل می‌گوید: اگر مولا دستوری دارد، احرار امتثال

یقینی بر تو واجب است، که احراز امتثال هم متوقف است بر اینکه احکام را یاد بگیرد.

لذا در اینجا بنا بر این دو بیان می‌گوییم: این «یجب تعلم...» یک وجوب مقدمی عقلی است و یک حکم شرعی مولوی نیست.

بنابراین اگر وجوب را، وجوب شرطی بگیریم، یک وجوب مولوی شرعی است، یعنی شارع وجوب تعلم احکام شک و سهو را شرط کرده است، اما اگر وجوب را، وجوب عقلی گرفتیم، دیگر عنوان شرعی ندارد.

نقد و بررسی این دو راه برای رسیدن به وجوب مقدمی عقلی

حال می‌خواهیم درباره حرفی که به مرحوم شیخ (ره) نسبت داده‌اند که اگر کسی تعلم احکام شک و سهو را نداشته باشد فاسق است، بحث کنیم. در این جا دو راه برای اثبات حرمت داریم، که باید ببینیم که آیا این دو راه برای ما قابل قبول است یا نه؟

نقد و بررسی راه اول: حرمت قطع فریضه

اما راه اول که گفتیم: اگر تعلم پیدا نکنند، ممکن است که مرتکب حرام شود، چون قطع فریضه در اینجا حرام است، جوابش این است که اگر تعلم پیدا نکرد، در نماز برایش شک بوجود می‌آید، مثلاً در حال ایستاده شک می‌کند که آیا رکوعش آورده یا نه؟ اگر اتفاقاً و تصادفاً به وظیفه شاک عمل کرد و بعد از نماز فهمید وظیفه واقعی‌اش همین بوده، قبل از نماز تعلمی هم پیدا نکرده، در اینجا نمی‌توانیم بگوییم این اشکال دارد، یعنی اگر تصادفاً و اتفاقاً این به وظیفه شاک عمل کرد، بعد هم عملش مطابق با واقع در آمد، مسلماً نمازش صحیح است و این وجوب تعلم در اینجا معنا ندارد.

لذا در کلام بعضی از فقهاء در این مسئله آمده، که اصلاً اگر بپذیریم که قطع صلاة فریضه حرام است، این تعلم در اینجا وجوب عقلی دارد، چون ترک تعلم مقدمه برای حرام می‌شود، مقدمه حرام هم حرام است، در حالی که می‌گوییم: ممکن است ترک تعلم باشد، اما در نماز وقتی برایش پیش آمد، این احتمال وجود دارد که تصادفاً بنا را بر یک طرف گذاشته و بر طبق آن عمل کند و عملش هم مطابق با واقع در بیاید.

پس در این مورد که این شک کرد و تصادفاً هم به وظیفه واقعی‌اش عمل کرد، تعلم هم پیدا نکرده، اما اشکالی هم ندارد. حال اگر با یک فرض در کلی خدشه کردی، آن کلی از بین می‌رود. شما می‌خواهید بگویید که در همه موارد تعلم واجب است، چون ممکن است در جایی منجر به ارتکاب حرام شود، لذا برای اینکه دچار ارتکاب حرام نشویم، بگوییم که تعلم واجب است.

خوب مگر همیشه دچار ارتکاب حرام می‌شویم؟ مگر همیشه این شخص اگر در نمازی شک کرد، مرتکب حرام می‌شود؟ بله اگر کسی به محض شک، نمازش را رها کند و همانند مشهور بگوید: قطع نماز فریضه حرام است، این حرف درست است.

به عبارت اخری می‌خواهیم بگوییم که حرمت قطع اقتضا نمی‌کند که بگوییم: حتماً تعلم واجب باشد، بلکه ممکن است در جایی اصلاً گرفتار حرام نشویم، لذا دیگر تعلم هم واجب نباشد.

حال در همین جا بنا بر مبنای غیر مشهور، که می‌گویند: قطع صلاة فریضه حرام نیست، دیگر هیچ وجهی برای وجوب تعلم در کار نیست، کما اینکه در باب طواف، خیلی از بزرگان نظرشان این است که وسط طواف می‌توانی طوافت را قطع کرده، دوباره از اول شروع کنی.

پس اگر گفتیم که قطع صلاة فریضه، ولو اختیاراً اصلاً حرام نیست، دیگر هیچ وجهی برای وجوب تعلم در کار نیست و اصلاً معنا ندارد، پس وجوب شرطیش را که رد کردیم، وجوب عقلی‌اش را هم که از این بیان وارد می‌شویم و در آن مناقشه می‌کنیم.

نقد و بررسی راه دوم: احراز امتثال

راه و بیان دیگر این است که بالاخره کسی نمازش تمام شده، اگر بخواهد امتثال را احراز کند، از کجا باید آن را احراز کند؟ تا یاد بگیرد و نداند که این نمازش واجد جمیع شرائط بوده، نمی‌تواند امتثال را احراز کند.

این را قبول داریم که احراز امتثال عقلاً لازم است و برای اینکه امتثال را هم احراز کنیم، باید تعلم پیدا کنیم، اما باز چه دلیلی داریم که قبل از نماز باید تعلم پیدا کنیم؟ اگر بگوییم که مثلاً کسی نمازش را خواند، در نمازش شک کرد، بعد عمل را هم انجام داد، واجب است که بعد از نماز بداند که آیا این عملش مصداق برای امتثال هست یا نه؟ بله اگر بخواهد بفهمد که این عملش مصداق برای امتثال است، راهی جز تعلم ندارد، حال یا تقلیداً یا اجتهاداً.

پس این راه را قبول می‌کنیم که برای احراز امتثال، باید تعلم پیدا کند، اما باز دلیلی نداریم که قبل از عمل باید این تعلم را پیدا کند، بلکه بعد از عمل هم اگر تعلم پیدا کرد، در اینجا کافی است.

(سوال و پاسخ استاد محترم) مثلاً کسی نماز می‌خواند، شکی برایش پیش می‌آید، بالاخره کاری هم می‌کند، بعد می‌آید از شما سوال می‌کند که در نماز شک کردم و این کار را انجام دادم، آیا درست است یا نه؟ همین مقدار واجب است. می‌خواهیم عرض کنیم که برای احراز امتثال، ولو بعد العمل هم احراز کند کافی است.

به عبارت اخیری دلیلی بر احراز امتثال حین العمل نداریم، واجبی بر ذمه‌تان هست، باید امتثال آن را احراز کنید، ولو بعد العمل، به این است که مثلاً از کسی سؤال کنید که نمازم را به این شکل خواندم و ببینید چه چیزی جواب می‌دهد؟ که همان تعلم می‌شود.

(سوال و پاسخ استاد محترم) آن بحث تفقه در دین و طلب علم بحث کلی است، که مربوط به اصل تفقه و معرفت خدا است، که متعلق در آنجا شامل اعتقادات می‌شود، که این بحث را اول سال گذشته مفصل داشتیم، اما بحث در اینجا، یک بحثی در مورد واجباتمان است، که باید ببینیم که قبل از اینکه عمل را انجام دهیم، آیا تعلم واجب است یا نه؟

حال ببینید که سیره متشرعه بر این نیست که قبل از اینکه عمل را انجام دهند، تعلم پیدا کنند، بلکه آنچه مسلم است این است که باید احراز الامتثال کنیم. حالا این مسئله دنباله‌ای دارد که ان شاء الله فردا عرض می‌کنیم.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ